یا ایہا الناس اتقوا ربکم ان زلزلۃ الساعۃ شیء عظیم

در بیان آنکہ در سال یکہزار و دو صد و نود و چند ہجرت نبوی بعون خالق الکونین کتاب مستطاب مسمی بہ

آثار القیامۃ فی حجج الکرامۃ

بعہد دولت و سعادت مہد جناب نواب شاہجہان بیگم صاحبہ والیہ ریاست بھوپال دام اقبالہا باہتمام ارجی غفران محمد عبدالمجید خان

در مطبع شاہجہانی واقع بلدہ بھوپال بحلیہ انطباع آراستہ شد

الا فی حال التقیة وسیما لقهم بعض الزیدیة فی ذلک لهم فی تعدیة الامامة کلام وخلاف کثیر وعند کل تعدیة وتوقف مقالة ونقد
وخبط انتهی ملخصا والله اعلم وبالله التوفیق **فصل بستم** وازانجمله است خروج دجالین کذابین که هر یکی از انها دعوی کند
که وی رسول خدا است ثوبان گفته فرمود آنحضرت صلعم جز این نیست که میترسم بر امت خود امامان گمراه کنندگان را و
وچون نهاده شود تیغ در امت من مرفوع نشود از انها تا روز قیامت و قائم نمیشود قیامت تا آنکه ملحق شوند قبائل از امت
من بمشرکان وتا آنکه بپرستند قبائل از امت من بتان را و بدرستیکه باشند در امت من سی نفر کذاب یکی از انها دعوی کند
که وی نبی است وحالانکه من خاتم پیغمبرانم نیست نبی بعد از من و همیشه طائفه از امت من بر حق باشند ضرر نکنند ایشانرا کسیکه
مخالفت کند با ایشان تا آنکه بیاید امر خدا و آنها بر همین حال باشند اخرجه مسلم وابو داؤد والترمذی وصححه ابن حبان مفرقا
واخرجه رزین بهذا اللفظ گویم مصداق وضع سیف در امت مقتل خلیفه سوم عثمان بن عفان است رضی الله عنه وتحقق
قبائل بمشرکان در طائفه رافضه ظاهر است اعتقادا وعملا وبت پرستی در گور پرستان موجود است وبودن طائفه از امت
بر حق تا قیامت در اهل حدیث یافته میشود ولهذا علی بن مدینی گفته هم اهل الحدیث ودر روایتی از بخاری است برپا نمیشود ساعت
تا آنکه مقاتله کنند دو گروه عظیم که دعوی آن هر دو یکی باشد وتا آنکه برانگیخته شوند دجالان قریب بسی کس همه ایشان زعم میکنند
که آنها رسول خدا اند ومراحمد وابویعلی راست از حدیث عبدالله بن عمر که پیش از قیامت سی دجال کذاب اند وفی حدیث علی
عند احمد نحوه وفی حدیث ابن مسعود عند الطبرانی نحوه ودر حدیث سمره است برپا نمیشود قیامت تا آنکه برآیند سی کذاب آخر
ایشان دجال اعرج باشد اخرجه احمد والطبرانی واصله عند الترمذی وصححه ودر حدیث ابن الزبیر است پیش قیامت سی کذاب اند
از ایشان است اسود عنسی صاحب صنعا وصاحب یمامه یعنی مسیلمه ودر حدیث ابن عمر است سی کذاب یا زیاده گفتیم چیست نشان ایشان
گفت بیارند شمارا سنتی که نیستید شما بر آن و متغیر گردانند سنت شمارا پس چون ببینید شما ایشانرا پرهیز کنید از آنها ودر
روایتی از عبدالله بن عمر نزد طبرانی است برپا نمیشود ساعت تا آنکه بیرون آیند هفتاد کذاب نحوه عند ابی یعلی من حدیث
انس حافظ ابن حجر گفته سند این هر دو حدیث ضعیف است واگر ثابت شود محمول باشد بر مبالغه نه بر تحدید واما تحدید
پس اخراج کرد احمد از حذیفه بسند جید که باشند در امت من کذابان دجالان بست وهفت نفر از انها چار زن باشند
ومن خاتم النبیین ام نیست نبی بعد از من گفت واین دلالت دارد بر آنکه روایت ثلاثین بجزم بر طریق جبر کسر است ومؤید آن است
روایت بخاری که عنقریب گذشته بلفظ قریب ثلاثین ومحتمل که مراد بروایت ثلاثین ونحوها مدعیان نبوت باشند وآنانکه
زیاده بر این عدد بودند چنانکه در روایتی افزاکثر آمده وروایت سبعین مراد بآن کذابان باشند فقط لکن دعوت کنند
بسوی ضلال مانند غلاة رافضه وباطنیه وحلولیه وسائر فرق دعاة وغیره که بالضرورة معلوم است که دعوت ایشان
بخلاف ما جاء به النبی صلعم است گفت حافظ ومؤید اوست حدیث علی نزد احمد که فرمود علی عبدالله بن الکوا را که تو
از ایشانی حالانکه ابن الکوی ادعا نبوت نکرده بلکه غالی بود در رفض گویم ومؤید اوست نیز آنچه در حدیث ابن عمر است
وگذشت که چیست نشان ایشان فرمود بیارند شمارا سنتی که نیستید شما بران الحدیث وبالجمله از ایشان است اسود عنسی
بصنعا ومسیلمه کذاب صاحب یمامه چنانکه خبر داد بدان آنحضرت صلعم وگذشت در حدیث ابن الزبیر وقصه ایشان